



۸ مارس دیگر بار روز همبستگی با زنان ایران و جهان، روز ستیز با رژیم های زن ستیز در جهان

۸ مارس ۳۲ سال ستم رژیم اسلامی بر زنان میهن. رژیم زن ستیز و شونیسم اشغالگر انیرانی حاکم باید برود

امسال به ۳۲ سالگی حکومت ضد زن و شونیستی وارد میشویم. زنان ایران که بیش از نیمی از شهروندان کشور ما را تشکیل میدهند با اندیشه های متحجر اسلامی که بر روی کاغذ مدون گردیده است و آن را " قانون " نامیده اند به زیر سितره حکومتی فاسد و تبهکار که تجاوز به عنف را یکی از شاخص های کشورداری خود به ابزار ماندگاری تبدیل کرده است، پای نهادیم رژیم اسلامی توحش سالاری اسلامی را جای گزین پدرسالاری کهن کرده است. این توحش سالاری کانون خانواده ها را درهم ریخته است بطوری که ضرب و شتم زنان توسط مردان دلبسته به توحش سالاری اسلامی دامنه اش گستره پهنانی را برای نه تنها زن آزاری به وجود آورده است بلکه کودکانی که در پیرامون فضای مناسبات زن ستیز جامعه باید زندگی کنند، از گزند خوشونت مردان متوحش اسلامی بری نیستند.

خوشونت بر زنان مزید علت بد رفتاری به دختران و کودکان خانواده ها شده است. فرار دختران ۱۰ ساله به شهر های بزرگ و یا کوکان بی خانمان و کارتون خواب در شهرهای بزرگ نه فقط در فقر اقتصادی خانواده ها خلاصه میشود بلکه عمده دلیل فروپاشی محیط خانواده ها را میتوان در اعمال خوشونت مردان در خانواده جویا شد.

حکومت ارازل و اوپاش اشغالگر اسلامی زن ستیزی و اپارتایت را ۳۱ سال است میکوشد نهادینه کند. زنان را از استقلال فردی شهروندی محروم کند. قوانین چند زنی مردان و یا بی اختیار کردن زنان در سطح جامعه همه و همه بیانگر تصویری از سیاست زن ستیزی حکومتی متوحش و وابسته به استعمار جهانی است. حکومت فاسد اسلامی برای الغای شخصیت زنان از یکار بردن هیچ شگردی امتنا ندارد. سنگسار، تجاوز در زندان ها و یا سیاه چال ها رژیم، آدم ربانی از زنان، توجیه زن کشی مردان بر روی تعصبات دینی و مذهبی، قتل های ناموسی زنان و دختران را فقط میتوان در توسعه فرهنگ زن ستیز اسلامی جست. ابعاد جنایات سیستماتیک رژیم به زنان در جامعه آنقدر بسیار است که قلم و اندیشه از گفتن آن به لکنت می افتاد. نگاه کاملاً جنسیتی رژیم به زن، مبنای تمامی قوانین توحش اسلامی است. تلاش های مذبحخانه رژیم اسلامی برای اجرای آپارتاید جنسی در مدارس، دانشگاه ها، ادارات و حتی تفکیک جنسیتی کتب درسی، از اینجا ناشی می شود. چنین نگاه عقب مانده و واپسگرایانه ای دروران بیابانگردی بدوی است که مسئله ی زن در حکومت اسلامی را به مسئله ای کاملاً سیاسی تبدیل کرده است. این جوهر اعتراضات جنبش زنان در تمامی ۳۱ سال گذشته است. هر تلاشی برای کسب حقوق اولیه ی زنان، با سد قوانین اجباری و ممنوعیت و یا امکان دادن آن حکومت اسلامی روبرو می شود. برای اجرای این ضوابط سرکوبگرانه رژیم اسلامی انواع و اقسام نهادها و گشت ها ایجاد کرده است. گشت های خواهران زینب، گشت های امر به معروف و نهی از منکر، گشت های ارشاد و غیره با هزینه های کلان از بودجه مردم برای کنترل زنان

کشور، برای اندازه گیری حد روسری بر سر، رنگ لاک ناخن، نازکی و کلفتی جوراب ، حد آرایش صورت حتی زیر چادر ایجاد شده است. و چنین است که مبارزه زنان برای اولیه ترین حقوق انسانی خود با سد و دیوار بلند استبداد حاکم روبرو می شود و مسئله ی زن را با قدرت سیاسی پیوند می زند. این اجبارات شرعی ۱۴۰۰ سال است که که زنان کشور ما را به اسارت و یوغ استبداد کشیده است. زنان ایرانی را از هر نوع تحول و تکامل باز داشته است. بی مورد نبود که چرا رضا شاه پرچم دار مبارزه با تحجر و بربریت حجاب اجباری انگل های اسلامی در ایران گردید.

حال با این وصف چه گزینه ای در مقابل آزادی خواهان برای رهانی از اسارت حکومت اشغالگران اسلامی به ویژه زنان ایران مانده است. چگونه باید جامعه را از شر بی وطن های فاسد اسلامی نجات داد و زنان میهن را از زن ستیزه ان و حکومت آنها نجات داد.

آنچه مسلم است در حکومت اسلامی هرگز حقوق زنان با مردان برابر نخواهد گردید. آیا حرکات و مبارزات اعتراضی ۸ ماه گذشته توانسته است که رشد و روند حکومت توحش سالار را نسبت به زنان را تغییر دهد؟ اعتراضات پیگیر مردم با دادن صدها قربانی از جوانان توانسته است در عملکرد حکومتی ها تغییراتی را ایجاد نماید؟ و آیا میتوان با آهنگ اعتراضاتی که تا بحال به مناسبات حاکم در شرف انجام بوده است تغییراتی بنیادین در حکومت برای رفع ستم بر زنان و دیگر شهروندان ایران زمین ایجاد کرد؟ پاسخ این است که هرگز. تا زمانی که رژیم اسلامی در هر شکل اش چه با ولایت فقیه و چه بدون آن ، بر قدرت بماند، حقوق و برابری زنان در ایران با مردان متصور نخواهد بود .

در جانی که حکومتی ها در روز ۲۲ بهمن بیش از ۲۰ هزار نفر را دستگیر میکنند و بخش از آنان زنان بوده اند ، آنها را به سیاه چالهای اسلامی روانه کرده و از بازگشت تعداد زیادی از دستگیر شدگان خبری در دست نیست ، آیا هنوز میتوان فقط با اعتراضات خیابانی با رژیمی که آدم ربانی و گمشدن انسان ها توسط آن روز مره شده است امید بخشید که در مورد حقوق زنان گام به پیش بگذارد . رژیم اسلامی از شیوه های رژیم های نظامی آرژانتین و شیلی که ده ها هزار نفر را ، سر به نیست کردند ، و هیچ اثری از شهروند های حکومت نظامیان در دست نیست ، استفاده میکند . حکومت جنایتکاران اسلامی دقیقا" از ابزار مفقود شدن و سر بنیست کردن استفاده میکند. آیا با رژیمی که کارش دستگیری ، زندان و شکنجه است و نسل کشی های گذشته و کنون آن انبانی از جنایات است را میتوان در حرکات اعتراضی مصالمت آمیز به عقب نشینی وادار کرد.؟ رژیمی که با جنایتکاران سرکوبگر انصار، بسیج ، پاسدار ، لباس شخصی ها و تروریست های فلسطینی و لبنانی در ایران قدرت را در دست دارد و به خوابگاه دانشگاه تهران در شب حمله ور میشود و دانشجویان را به خاک خون میکشد میتوان فقط با اعتراضات خیابانی بع عقب راند ؟ به اعتقاد ما نه . این حکومت حار تر از آن است که دیگر حکومت های جهان بوده اند . حکومت اسلامی رژیمی است ایدئولوژیکی و فاشیستی که بر انباری از ثروت های مردم ایران چنبر زده است . از نفت و گاز عوامل مزدور را تغذیه میکند و با کمک این عوامل است که با ترور و قتل حکومت میکند . برای برچیدن آن نیاز به حرکتی توده ای و اعتصابات سراسری کارکنان صنایع نفت است . آشیل حکومت در صدور نفت است . باید کارگران صنایع نفت ، شاه راه این منبع حیاتی و تنفس رژیم دزدان و اوباشان اسلامی را ببندند، و با این شیوه حکومت اسلامی را از حیات اقتصادی و سیاسی براندازند. همچنان باید هوشیار بود که بخشی از رژیم اسلامی که خود را "اصلاح طلب " مینامد میکوشد که به طرف قدرت بخزد برای این امر قدرت های نو استعماری با رسانه های همگانی شان میکوشند آنها را به مردم ایران حفته کنند. در این دسیسه تلویزیون آمریکا ، رادیو فردا و بی بی سی ید طولی دارند . با کمک این قدرت های نو استعماری و دستگاه های اطلاعاتی آنها رژیم اسلامی را بر قدرت گماردند و حال بخش از بدنه آن را کاندید گماشتن بر قدرت میدانند.

هر چند مردم ایران از شگرد قدرت های امپریالیستی و نو استعماری آگاهند و به همین روست که در تظاهرات ۸ مارس که توسط زنان آگاه و مبارز در ایران انجام خواهد پذیرفت به عمل کرد رسانه های همگانی قدرت های استعماری در تبلیغ عوامل اسلامی معترض خواهند بود . رژیمی که گسترش فقر، فحشاء، اعتیاد، فساد را در ایران در برنامه های اقتصادی و سیاسی خود قرار داده است ، از دارائی های مردم ایران گروه های تروریستی اسلامی حماس و حزب الهه را با صد ها میلیون دلار تغذیه میکند و یا به وابستگانش از بانگ های ایران ۴۸ میلیارد دلار زیر نام

قرض الحسنه به دزدی میدهند. از مرزهای ایران ۱۸.۵ میلیارد دلار با کامیون به ترکیه حمل میکنند، این رژیم تبهکار دزد، خون خوار و مجرم را باید از اریکه قدرت با هر وسیله ای ممکن به پائین کشید. ۴۸ درصد درآمدهای نفتی ایران را رژیم در کانال های دزدی جاری میکند و میلیارد ها دلار از درآمدهای نفتی ایران به دزدی میرود. رژیم با تشدید بیکاری و فقر تحمیلی به مردم ایران، تن فروشی و فحشاء را اشاعه داده است. حکومت اسلامی رژیمی است که سرتا پا ضد ملی و ضد ایرانی است و آنچه مسلم است این رژیم با خواست های حیاتی مردم ایران هیچ نوع مشترکاتی ندارد و به اعتقاد ما باید از صحنه سیاست و اقتصاد ایران زمین محو گردد.

رژیم نظامی، امنیتی جنایتکاران پاسدار و بسیج و اسلامیت های تبهکار تشکلی از باند های جنایتکارند که هدفشان تأمین منافع قدرت های استعماری است. از رو فقر تشدید یافته و خشونت دامنگیر به زنان و کودکان را جنایتکارن حکومتی باعث شده اند. زنان همچنان با صدای رسای خود در روز ۸ مارس میگویند از رژیم اسلامی منتفردند و این رژیم فاسد را نمیخواهند. و این خواست، خواست مردم ایران است.

زنان ایران امسال در فضای ویژه ای به پیشواز ۸ مارس می روند. می دانند که امسال در ایران، دیگر نه یک پارک و نه یک میدان بلکه انبوه خیابانها و میدان های شهرها میزبان بزرگداشت هشت مارس خواهد بود.

امسال زنان ایران در دل یک جنبش توده ای اوج گیرنده و همگام با آن به استقبال هشت مارس می روند؛ امسال همه جامعه در جوش و خروش یک تحول بزرگ به پیشواز روز جهانی زن می رود. چرا که امسال، سال برآمد یک جنبش توده ای دموکراتیک و حضور تعیین کننده زنان در صفوف این جنبش است.

در میدان همین مبارزه و در جریان همین حرکت توده ای ست که زنان آزاده قیودی را که قوانین شرع و عرف برایشان مقرر کرده تماما زیر پا گرفته اند و در همه سنگرهای نبرد شانه به شانه مردان پیش می روند؛ در صف مقدم مبارزه مشت بلند کرده و برای آزادی خود و جامعه فریاد می زنند و تعرضات نیروهای انتظامی و امنیتی و ارادل و اوباش مزدور رژیم را دفع می کنند. در دل این مبارزه عظیم است که حتی مطالبات روی کاغذ نیامده ای چون لغو حجاب اجباری در سنگر های مبارزه و از سوی خود زنان آزاده به اجرا در می آید.

آری، هشت مارس امسال مردم جهان نه تنها اراده زنان آزاده ایران را در تغییر سرنوشت خود بلکه همراهی و همگامی جامعه با آنان را به چشم خواهند دید. هشت مارس امسال شاهد این خواهد بود که مبارزه برای رفع ستم جنسی در ایران همگام با آزاد سازی جامعه از دیکتاتوری و در عین تعیین تکلیف با رژیم منحوس حاکم بر آن پیش می رود. چگونه می تواند جز این باشد؟ جمهوری اسلامی در همان آغاز کار خود دوران سرکوب همه جانبه در جامعه را با تعرض به حقوق زنان افتتاح کرد، و به مدت بیش از سه دهه هر تازشی به موقیعت زن را پیش در آمد سرکوب های همه جانبه تری در جامعه نمود. پس تعجبی نیست که شرکت وسیع و تعیین کننده ی زنان در جنبش توده ای حاضر، پس از سی سال چالش روزمره با رژیم حاکم، شاخص پایان عمر این رژیم گردد؛ جای حیرت نیست که در ایران جامعه معیار آزادی خود را در آزادی زنان بجوید.

از سوی دیگر، زنان مبارزی که امروز خیابان های شهر را به اختیار در آورده اند سرنوشت مبارزه خود را نیز به کف گرفته اند، و دیگر دست هر نیروئی که به سمت آنان دراز شود را نخواهند فشرد، دیگر به ابزار پیش برد سیاست های اصلاح طلبان رژیم مبدل نخواهند شد. سی سال تجربه رژیم جمهوری اسلامی با جناح های مختلف آن بویژه آزمون ده ساله وعده های پوچ اصلاح طلبان رژیم و سترونی سیاست بازی های حامیان آنها در اپوزیسیون، و در کنار این ها آموزه های گرانبهای قیام ۵۷، به جنبش رزمنده زنان بصیرت لازم برای شناخت دوستان و دشمنان خود را داده است.

در این نیز تردید نیست که زنان مبارز و جوان که توشه گرانبهای از تجربیات شرکت خود در جنبش توده ای جاری به دست آورده اند برای گسترش و نگاهداری از دستاوردهای آنی و آتی مبارزه شان به ضرورت ایجاد نهاد های متکی به نیرو و ابتکار خود پی خواهند برد و در راه ساختن تشکل توده ای شان قدم خواهند گذاشت؛ و نیز به درجه ای که جنبش متشکل کارگری در کارزار دموکراتیک جاری عرض اندام نماید، به او نزدیک شده و به تعامل با آن خواهند پرداخت.

سرانجام شاهد این هستیم که جنبش زنان، که به میمنت جنبش دموکراتیک توده ای جاری همراهی وسیعی را در سطح جامعه با خود دارد، در سال ۸۹ در شرایطی کاملاً ویژه به استقبال ۸ مارس می رود؛ در شرایطی که سرنوشت رژیم حاکم و قدرت سیاسی مسئله روز جامعه است، در شرایطی که نیروهای اجتماعی و سیاسی در جامعه تحولات کیفی از سر می گذرانند. تحولاتی که جایگاه جنبش زنان ایران در جامعه را تحکیم و تقویت می کند، هم یاری مردم و دیگر جنبش های اجتماعی را با آن تسهیل می نماید و موجب شفافیت در شناخت و گزینش متحدین اجتماعی و سیاسی اش می گردد. زنان ایران گام بگام مردان با انسجام تشکیلاتی در احزاب سکولار و لائیک که امر براندازی رژیم انیرانی ضد زن و شونیستی را در برنامه دارند باید فعالیت های سیاسی خود را سرعت بخشند. باید از هر نوع دسته بندی های حکومتی برای تفرقه اندازی در میان زنان دوری جویند. ستون های پنجم و تشکلات حکومتی که از اصلاحات در درون رژیم سخن میگویند مسائل زنان را مسئله حاشیه ای می شمارند و هدف آنها ادامه بقای رژیم فاشیستی اسلامی است. حقوق زنان فقط بعد از احیای مناسبات دموکراسی و لائیسیت در کشور میتواند برقرار گردد. از این رو برای تحقق آن و رسیدن به این مهم براندازی رژیم اسلامی در تمامیت آن هم اکنون مسئله محوری است. تجلی سربلندی ایران در آزادی زنان آن متصور است. زنان ایران همچنان که هوشیاری خود را به ثبات رسانده اند، نیک میدانند که جریان سبز و گروه های وابسته به آنها که سردستگی آن در اختیار موسوی و کروی است رهائی بشریت در ایران و به ویژه زنان را در سر ندارند، بلعکس رانده شدگان از دامن امامشان، تخیل گرفتن قدرت به دست خویش را در رقابت با دیگر گروه های رقیب در سر دارند، آنها میگویند که رژیم زن ستیز، جنایت پیشه اسلامی را همچنان در قواره دیگری در ایران، در اریکه قدرت حفظ کنند. از همین رو است که تمامی اعتراضات جمعی مردم را به سود رژیم حاکم به بیراهه برده تا از گزند براندازی، رژیم دلخواه خود را دور نگاه دارند. رهائی زنان ایران هرگز در رژیم ضد زن و زن ستیز و اپارتیت اسلامی متصور نیست، از این رو راه رهائی در یک بدیل خلاصه میشود و آن براندازی یک پارچه جنایتکاران اسلامی از اریکه قدرت است.

فرارسیدن ۸ مارس را با همه توان گرامی داریم!

بهمن ۱۳۸۹، ۱ مارس ۲۰۱۱

حزب سوسیال دموکرات ایران